

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته:

در ماه رمضان گذشته این توفیق حاصل شد که بحث آیات جهاد در قرآن کریم را شروع کردیم و در 17 جلسه برخی مباحث را در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار دادیم:

آیات جهاد: یک بخشی از آیات قرآن که فراوان، متعددی و مهم است اختصاص به آیات جهاد دارد. این آیات چند طائفه است در قرآن کریم، یکی آیات سوره مبارکه بقره است آیات 190 تا 195، یکی آیات 36 تا 40 سوره مبارکه انفال و ... است.

اولین آیات جهاد:

در اینکه اولین آیاتی که در مورد جهاد نازل شده کدام آیه است، بعضی می‌گویند آیات سوره مبارکه بقره است، بعضی‌ها می‌گویند آیهی (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَانِهِمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)^[1] است.

اقسام جهاد:

ما وقتی به کتب فقها مراجعه می‌کنیم فقها از زمان شیخ طوسی و شیخ مفید الی الآن، تمام فقها می‌گویند «الجهاد علی قسمین» یک جهاد دفاعی داریم و در جایی است که دشمن به مسلمان‌ها حمله می‌کند و مسلمان‌ها در مقابل دشمن دفاع کند که احکام مخصوص به خودش را دارد. یکی هم جهاد ابتدایی است. برای جهاد ابتدایی دو تا تعریف در کلمات وجود دارد:

یک تعریف این است که بگوییم جهاد ابتدایی یعنی جایی که کفار و مشرکین بالفعل با مسلمان‌ها جنگی ندارند، این یک. بالقوه هم توطئه‌ای علیه مسلمان‌ها ندارند. کفار در کشور خودشان دارند زندگی می‌کنند، هیچ نقشه‌ای علیه مسلمین ندارند، بالفعل هم به مسلمین حمله نکردند، آیا اینجا ما چیزی به نام جهاد داریم؟ که بگوییم قرآن می‌فرماید مسلمان‌ها باید بروند با این کفار و مشرکین جنگ کنند تا آنها اسلام بیاورند و یا کشته شوند؟

معنای دوم اینکه بعضی‌ها می‌گویند جهاد ابتدایی در جایی است که بالفعل با مسلمین جنگی ندارند حالا ممکن است بالقوه در مقام توطئه باشند ولو در مقام توطئه باشند باز می‌شود جهاد ابتدایی. به عبارت دیگر بعضی‌ها می‌گویند آنجایی که بالقوه دارند علیه مسلمین نقشه می‌کشند باز اسمش جهاد دفاعی است و واقعاً دفاع است ولی برخی می‌گویند نه، ملاک در دفاعی و ابتدایی این است که بالفعل جنگی باشد یا نباشد، اگر بالفعل جنگی بود می‌شود جهاد دفاعی و اگر بالفعل جنگی نبود می‌شود ابتدایی،

اعم از اینکه علیه مسلمین توطئه کنند یا توطئه نکنند.

آیا این جهاد در قرآن تماماً جهاد دفاعی است؟ اگر این را بگوییم باید بیان کنیم چه آنجایی که بالفعل حمله کنند و چه آنجایی که مشغول توطئه هستند، یعنی کسی که می‌گوید ما جهاد ابتدایی در قرآن نداریم می‌گوید این آیات جهاد یا برای آنجایی است که بالفعل کفار دارند به مسلمین حمله می‌کنند و یا مشغول توطئه علیه مسلمان‌ها هستند، دارند عده و عده‌شان را قوی می‌کنند تا مسلمین را از بین ببرند و اینها که اینطور می‌گویند، می‌گویند جهاد ابتدایی به این معنا که آنجایی که کفار بالفعل حمله ندارند و بالقوه هم توطئه ندارند، بگوییم اسلام می‌گوید باید بروید با اینها جنگ کنید، یا اسلام بیاورند و یا کشته شوند، می‌گویند چنین چیزی در قرآن کریم نداریم!^[2]

معنا و اقسام جهاد در قرآن:

ببینید این موضوع بحث است؛ این تقسیم‌بندی که در فقه هست که ما یک جهاد ابتدایی داریم و یک جهاد دفاعی. آیا می‌توانیم این را از قرآن بیرون بیاوریم یا نه؟ به عبارت دیگر آیا قرآن آیه یا آیاتی دارد که دلالت بر این کند که اگر کفار نه بالفعل جنگ می‌کنند و نه در بین خودشان علیه مسلمین توطئه می‌کنند، بگوییم اسلام می‌گوید اگر مسلمان‌ها به قدرتی رسیدند که قدرت مقابله را دارند بروند تا آنها اسلام بیاورند و یا کشته شوند، ما اسم این را می‌گذاریم جهاد ابتدایی. می‌خواهیم ببینیم آیا قرآن کریم دلالت بر این معنا دارد یا ندارد؟

فقه‌ها تماماً، یعنی واقعاً آن کسی که فقیه بمعنی الکلمه است گفته‌اند بله، در قرآن یکی از واجبات، حالا بالاتر از آن یکی از ضروریات در کلام فقها است، مثلاً صاحب جواهر به عنوان یک امر ضروری دین که دیگر بین شیعه و سنی هم اختلاف نیست، آورده. گاهی اوقات تعبیر در بین فقها این است که یکی از ارکان، وجوب جهاد است، وجوب جهاد ابتدایی یعنی اگر مسلمان‌ها می‌توانند و قدرت دارند بروند حمله کنند، البته این مقدمات و شرایطی دارد، قبلش به آنها اعلام کنند که یا اسلام بیاورید و یا اگر اسلام نمی‌آورید باید کشته شوید. البته یک جهاد ابتدایی با کفار داریم که می‌گوییم یا اسلام بیاورید و یا جزیه بدهید که این احکام جهاد ابتدایی با اهل کتاب با جهاد ابتدایی با کفار فرق دارد. یکی از واجبات و ضروریات در فقه ما وجوب الجهاد است. ما فعلاً نمی‌خواهیم بحث کنیم که آیا در جهاد ابتدایی حضور معصوم، اذن معصوم (ع) معتبر است یا نه،^[3] بلکه ما یک مرحله قبل از این را می‌خواهیم بحث کنیم، آیا از قرآن کریم جهاد ابتدایی به عنوان یک واجب شرعی (جهاد ابتدایی به همین معنایی که عرض کردیم) که کفار حمله نکردند و توطئه هم نمی‌کنند فرض این است که کاری به مسلمان‌ها ندارند و یک گوشه‌ای زندگی می‌کنند، آیا اسلام به مسلمان‌ها دستور می‌دهد که عند التمكن بروید اسلام را به آنها عرضه کنید یا اسلام را بیاورند و یا اگر اسلام نیاورند کشته شوند، این موضوع جهاد ابتدایی است.

ان قلت:

در طول سیزده سالی که رسول خدا(ص) در مکه بودند مجاز به جهاد نبودند و بلکه مأمور به کفّ از قتال با کفار و مشرکین بودند «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ». این آیات شریفه سوره مبارکه احزاب (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً * وَدَاعِياً إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيرًا * وَبَشِيراً الْمُؤْمِنِينَ بَأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلاً كَبِيراً وَ لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ دَعْ أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا)^[4] یکی از اشکالاتی که مربوط به بحث جهاد و قتال است با این بحث کاملاً جواب داده می‌شود هر چه کفار از مسلمان‌ها می‌کشتند و شکنجه می‌کردند، اذیت و آزار می‌کردند، پیامبر و مؤمنین مأمور به این بودند که قتال نکنند، حق نداشتند. یا آن آیه شریفه (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)^[5] که ما بعد می‌گوییم اگر آمدیم از قرآن استفاده کردیم جهاد ابتدایی داریم می‌گوییم با آیه (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...) ^[6] چکار کنیم؟ با آیه (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ) چکار کنیم؟ این آیات می‌گوید جنگ

نکن، «ادع الى سبيل ربك بالموعظة الحسنه» و جدال احسن، ندارد که جنگ کنید و نباید جنگ کنند.

قلت: اينها مربوط به اوایل اسلام بوده، آن موقعی که مسلمانها قوت و قدرتی نداشتند، حتی در روایات دارد مسلمانها می آمدند خدمت رسول خدا عرض می کردند که این نمی شود کفار دارند از ما می کشند، ما را مجروح و اذیت و آزار می کنند، پیغمبر فرموده بود من مأمور به قتال نیستم و بلکه ممنوع از قتالم، تا این آیه نازل شد، ظاهراً دو سه ماه آخر زمان مکه ای پیامبر این آیه (أَنْزَلَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ)^[17] نازل شد و فرمود حالا اجازه داده می شود، باز واجب نشد!

سیر تشریع جهاد: دین از اول نیامده جنگ را بیاورد. خیلی که اذیت و آزار کردند آیه آمد (أَنْزَلَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ...) اجازه داده می شود، آمدند مدینه در سال دوم هجرت که طبق آن نامگذاری ای که ابوریحان بیرونی دارد سال دوم را گذاشته سنة القتال، آیات جهاد نازل شد همین آیات سوره بقره. اینجا باز می گویند اول خدا فرمود با همین مشرکین مکه قتال کنید، با اینهایی که با شما جنگ می کنند قتال کنید بعد یک مرحله بالاتر فرمود با اهل کتاب قتال کنید، در مرحله ای آخر فرمود (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ بئسَ المصير)^[18] علی الاطلاق، که در نتیجه سیر تشریع جهاد تا می رسد به وجود جهاد و بعد وجوب جهاد که می آید بعد از آن هم آیاتی داریم که خدا پیامبر را مأمور می کند که حرز المؤمنین علی القتال، ترغیبشان کن برای جنگ و قتال. اینجا یک بیان اجمالی از آیات قرآن است که اول مأمور نبودند و بعد اجازه به ایشان داده شد و بعد به صورت محدود واجب شد، «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» با آن کفاری که اطرافتان هستند مقاتله کنید به صورت محدود، بعد فرمود (... وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً...) ^[19] (وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...) ^[10] این سیر را برای این عرض کردیم که از اول در اسلام مسئله ی جنگ و جهاد مطرح نبوده.

سیاست مقابله به مثل:

یک نکته ای از خود قرآن کریم و آیات سوره بقره از استفاده کردیم و آن نکته این است که اسلام در مقابل کفر یک سیاست مقابل به مثل را در پیش گرفت آن سیاست مقابل به مثل چه بود؟ وقتی مسلمانها آمدند مدینه، آنهایی که گاهی می رفتند مکه یا ارتباط داشتند یا گرفتار کفار می شدند، کفار به اینها چه می گفتند؟ کفار می گفتند یا بیایید دست از اسلام بردارید و به کفر و شرک برگردید یا شما را می کشیم! این سیاست خود کفار بود. سیاست خود کفار بود که یا به شرک برگردید و دست از اسلام بردارید یا کشته می شوید. اسلام هم آمد همین سیاست را در مقابلشان قرار داد به مسلمانها فرمود (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...) ^[11]

معنای فتنه در آیات جهاد:

ما در آن بحثها گفتیم فتنه را بعضی از سنیها مثل صاحب المنار و به تبع ایشان همان کتاب جهاد در اسلام که قبلاً عرض کردم، اینها آمدند فتنه را معنا کردند: یعنی همان توطئه و شکنجه ای که کفار راجع به مسلمانها دارند. (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ) را اینطور معنا کردند. خدا فرموده با کفار جنگ کنید تا فتنه از بین برود، فتنه یعنی چه؟ طبق این چیزی که اینها می گویند یعنی همین شکنجه و آزاری که کفار نسبت به مسلمانها می دهند، در حالی که ما در آن بحث اثبات کردیم که مراد از فتنه شرک است، اولاً خود آیات قرآن دلالت بر این دارد. این آیه را حتماً در ذهن تان بسپارید (سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا رَدُّوْا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَ يَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فخذوهم و اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَ أُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا) ^[12] خدا می فرماید این کفار دنبال این هستند که شما را داخل فتنه کنند، داخل فتنه کنند یعنی چه؟ یعنی دوباره داخل شرک کنند، «كُلَّمَا رَدُّوْا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا». اگر فتنه را به شکنجه و اذیت و آزار کفار در نظر بگیریم، ارکسوا فيها معنا ندارد. هر زمانی که اینها رَدُّوْا إِلَى الْفِتْنَةِ شدند و کفار گفتند به شرک برگردید، بلا فاصله داخلش

می‌شوند، معلوم می‌شود مراد از فتنه در این آیه شرک است. آیه دیگر (وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَأَلُوا الْفِتْنَةَ لَأَنزَلْنَا بِهَا آيَاتٍ مِّنَ الْكِتَابِ) اگر کفار از اقطار مدینه داخل شوند، کفار به مسلمین می‌گویند بیا بیا فتنه (یعنی شرک) را بپذیرید، درنگ نمی‌کنند مگر یک زمان کوتاهی، زود می‌روند مشرک می‌شوند. خود قرآن فتنه را که مربوط به جنگ است، البته فتنه در قرآن در معانی زیادی استعمال شده و در آن بحث آوردیم اما فتنه‌ای که مربوط به بحث قتال است مسئله‌ی شرک مراد است، در همین آیات سوره بقره (... الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ...) [13] خدا می‌فرماید اینکه کفار این مسلمین را شکنجه می‌کنند و می‌کشند، کشتن اینها خیلی بد نیست یعنی آن اندازه قُبَح ندارد که فتنه‌اش قُبَح دارد. یعنی این اندازه که به مسلمان می‌گویند باید مشرک شوی این اشد من القتل است، شدیدتر از این است که بیا بیا اینها را بکشند.

پس این یک نکته‌ی خیلی کلیدی است، یعنی آنچه که صاحب آن کتاب را دچار این فکر باطل کرده این است که فتنه را درست نتوانستند معنا کنند آمدند برای فتنه یک معنای عرفی و ظاهری کردند در حالی که فتنه به معنای شرک است. و روایات معتبر داریم از زمان قدیم، از شیخ طوسی تا حالا، در کتب تفسیری فتنه را به معنای شرک بیان کردند، «فَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» که همین جا هم این را عرض کنیم.

هدف از جهاد ابتدایی:

اصلاً اگر شما سؤال کنید قاتلوهم یعنی شما ابتداءً بروید جنگ کنید تا شرک نباشد اسلام چه هدفی از جهاد ابتدایی دارد؟ می‌گوییم در همین آیات سوره بقره فرموده (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ...) [14] اصلاً هدف جهاد ابتدایی رفع شرک در عالم و اقامه‌ی دین و محقق شدن دین برای خدا. در آیه دیگری در سوره انفال می‌گوید (وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ) آنجا دیگر روایات تطبیق کرده بر زمان ظهور حضرت حجت (عج)، اما فلسفه‌ی جهاد ابتدایی دو تا غایت بسیار مهم است بر حسب این آیه، رفع شرک و حاکم شدن دین خدا. منتها همین طور در زمان رسول خدا. [15]

موضوع بحث آینده:

در چهارشنبه‌ی آینده اگر زنده بودیم یک سری آیات که تعلیل وجود ندارد، مثل (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) [16] که صاحب جواهر و برخی از فقهای دیگر هم به اطلاق این آیه تمسک کردند می‌پردازیم.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] □ سوره مبارکه حج: آیه 39.

[2] □ عرض کردیم کتاب‌هایی در همین چند سال اخیر نوشته شده از بعضی حوزویان هم نوشته شده که چنین ادعایی دارند. حتی در کتاب‌شان این تعبیر را دارند آنچه را که فقها از صدر اسلام تا حالا در مورد جهاد ابتدایی گفتند درست برخلاف قرآن کریم است! و این یک ادعای خیلی عجیبی است. مثلاً در این چند ساله‌ی اخیر کتابی چاپ شده به نام «جهاد در اسلام» که نویسنده‌اش نویسنده‌ی «شهید جاوید» است، ایشان در آنجا یک چنین ادعایی دارد، صفحه‌ی اول آن کتاب این تعبیر را دارد: آنچه را که فقها از زمان شیخ طوسی تا حالا فهمیدند درست 180 درجه مخالف با قرآن است که این خیلی حرف عجیبی است، در حالی که غالب فقهای ما از مفسران بودند یعنی شما مفسران درجه یک را اگر بررسی کنید غالبشان فقیه بودند، خود شیخ طوسی، صاحب کتاب «تبیان» شیخ الطائفة است، فقیه الطائفة است، شیخ طوسی بوده و دیگران هم که آمدند اکثرشان از فقها

یکی از حرف‌هایی که من در مقابل صاحب این کتاب و کسانی که این افکار را دارند و واقعاً این امروز در حوزه ما خیلی باید مراقبت شود، شما سایت‌های اینترنتی را که ببینید وقتی می‌خواهند حمله به قرآن را شروع کنید از همین بحث آیات جهاد شروع می‌کنند و می‌گویند این چه کتابی است که امر به خونریزی کرده. ما سؤالمان این است که خونریزی را شما مشرکین شروع کردید، شما کفار شروع کردید، اسلام این را یک سیاستی در مقابل شما قرار داده و قرآن هم می‌فرماید اینها دست بردار نیستند، «لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ» الآن از زمان رسول خدا به مراتب قوی‌تر و شدیدتر دارند کار می‌کنند، یعنی اگر در آن زمان ابوسفیان و ابوجهل و یک عده‌ای در گوشه‌ای می‌نشستند توطئه‌ای می‌کردند امروز صدها مرکز کفر و شرک برای براندازی اسلام و حالا بالاتر از آن براندازی همه‌ی ادیان دارند تلاش می‌کنند، همان که قرآن فرموده «لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ» الآن وجود دارد و شدیدتر هم وجود دارد. ما به اینها می‌گوییم این سیاستی است که شما در پیش گرفتید، اسلام که اول نیامد جنگ بیاورد، 13 سال آطور بود و بعد هم شما شروع کردید، مسلمینی که اسلام آوردند را گفتید یا مشرک شوید و یا کشته می‌شوید منتها شما با زور و شکنجه می‌گفتید، اسلام در باب جهاد ابتدایی می‌گوید اسلام را به کفار عرضه کنید، قرآن و معجزات را عرضه کنید، آیات را عرضه کنید، منطق را بگویید، اگر بعد از این مراحل قبول نکردند باید کشته شوند و یا اهل کتاب اگر هستند باید جزیه بدهند، پس هدف از جهاد ابتدایی این است که شرک از بین برود.

یکی از حرف‌هایی که ما داریم این است که ما اگر بگوییم مسلمان و غیر مسلمان برابری یک حرف غلطی است! غیر مسلمان مشرک، بمنزلة الحيوان برایش حقوقی هست، ولی ما نباید این دو تا را کنار هم قرار بدهیم، بگوییم بالأخره این دو تا هم در ردیف هم قرار بگیرند. خدای تبارک و تعالی این همه انبیاء را فرستاده، پیامبر خاتم را فرستاده، معجزات و قرآن را فرستاده تا این آدم مشرک نباشد، حالا ما بگوییم خیلی خُب پلورالسیم را قبول کنیم و هر کسی هر فرقه‌ای دارد هر چیزی دارد برای خودش محترم است، این حرف‌ها یعنی چه؟ ما باید تلاش کنیم، یعنی مسلمان وظیفه دارد در عالم شرک نباشد، به هر مقداری می‌تواند تلاش کند. اگر بتواند یک انسان را هدایت کند تا از کفر بیرون بیاید وظیفه دارد این کار را انجام بدهد، اینطور نیست که بگوید من کاری ندارم او به دین خودش باشد یا به فکر خودش باشد، من که اسلام را پذیرفتم یکی از واجبات بر من همین است، حالا با شرایط و قیودش. و در این تردیدی وجود ندارد.

[3] مشهور فقها می‌گویند معتبر است در نتیجه دیگر در زمان غیبت موضوعی برای او نیست، بعضی‌ها می‌گویند اعتباری ندارد. مثلاً مرحوم محقق خوئی (اعلی الله مقامه الشریف) با اینکه از نظر فقهی ولایت فقیه را قبول ندارند، اما در کتاب «منهاج الصالحین» وقتی به بحث جهاد می‌رسند می‌فرمایند وجوب جهاد ابتدایی از ضروریات است و تردیدی در آن نیست، می‌فرمایند حتّی نیازی به اذن معصوم (ع) هم ندارد. کسانی که ولایت فقیه را قبول دارند اقتضای ادله‌ی ولایت فقیه این است که همان اختیاراتی که برای امام معصوم (ع) است برای فقیه جامع الشرایط هم باشد، اما کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند ایشان عمده‌تاً به اطلاق همین آیات قرآن تمسک کرده‌اند، می‌فرمایند جهاد واجب است مطلقاً و نیازی به اذن معصوم هم ندارد حتی بالاتر از آن می‌گویند نیازی به اذن فقیه هم ندارد. اگر عدول مؤمنین توانستند، این کار را انجام بدهند.

[4] سوره احزاب آیات 45-48.

[5] سوره حجر آیه 129.

[6] سوره بقره آیه 256.

[7] سوره مبارکه حج: آیه 39.

[8] سوره توبه آیه 73.

[9] سوره توبه آیه 36.

[10] سوره بقره آیه 191.

[11] □ سوره انفال آیه 39.

[12] □ سوره نساء آیه 91.

[13] □ سوره بقره آیه 191.

[14] □ سوره انفال آیه 39.

[15] □ حالا یک بحثی هم داریم که آیا در زمان رسول خدا ایشان هم جهاد ابتدایی داشته یا نه؟ به تدریج بحث خواهیم کرد ان شاء الله تا برسد به آن آخر الزمان و زمان ظهور حضرت که دیگر جهاد ابتدایی به معنای واقعی اش آن زمان محقق می شود.

[16] □ سوره بقره 216.